

## حکومت «وحدت ملی» یا ادامه سلطه جنگ سالاران

من بدین باورم که مردم افغانستان شایستگی داشتن دموکراسی در کشور خود را ( با حفظ سروصدا های سنتی بودن جامعه ) دارند . رفتن بی هراس به پای صندوق های رای دهی ، بی توجهی به تهدید های طلبان مسلح و عناصر وابسته به همسایه های بد خواه ، عدم خشونت طرفداران تیم های انتخاباتی با همدیگر و مخصوصا اشتراک زنان با همت کشور که بدون در نظر داشت تهدید های مضاعف خانواده و جامعه به شکل صلح آمیز و با متانت به پای صندوق های رای رفتن و نظر خود را در مورد آینده وطن و رهبر آن با دلیری ابراز کردند ، همه گواه این مدعا است .

طرفداران نظام کهنه و کهنه پرستان مشترکا برای بد نامی دموکراسی ، آزادی و انتخابات دست به بهم داده مشترکا و یا جدا جدا تقلب کردند ، هیله آوردند و تهمت بستند تا مگر آنچه را که توده های خاموش بدون ریختن خون و یا با حداقل خونریزی بدست آورده بودند ، بی اثر سازند و باز ادعا کنند که کشور عقب مانده است و نظام سنتی سخت جان به اسانی سر به پای ارزش های جامعه متمدن خم نمیکند و ما هنوز هم به مرحله « میانه » انتقال از سنت های کهنه به دموکراسی نیاز داریم . حضور عناصر سنت گرا در این مرحله تشویش آور نیست بلکه آنچه موجب دلخوری روشن اندیشان است موقعیت این عناصر در رهبری آینده و پست های کلیدی میباشد . ابتذال دموکراسی و بی محتوا شدن نورم های آزادی و حقوق فردی با کوشش های وزیر خارجه امریکا و نماینده سرمنشی ملل متحد در افغانستان آغاز و با تشکیل حکومت به اصطلاح « وحدت ملی » و ریاست شورای اجرائیوی ( در تناقض با مفاد قانون اساسی ) به پایان خواهد رسید . هر چند تشکیل حکومت « وحدت ملی » در اصل هیچ مشکل با انتخابات و برنده و بازنده نداشته بلکه نیاز عصر و شرایط کنونی جامعه نیز میباشد ، در صورتیکه برنده و بازنده بازی معلوم بوده و به یکسان تقدیر نشود . جامعه جهانی باید به

احساسات پاک اکثریت ، که تشنه آرامش است ، ارج گذاشته و از عظمت شادی که ارضا کننده کمبود ها و کوتاهی های دهه های اخیر است ، نکاسته و به سر منفعت خود پا فشاری نماید .

اگر حرف بر سر تقلب در انتخابات دور دوم باشد ، هر دو تیم انتخاباتی کوتاهی نکرده اند . کمسیون های مستقل انتخابات و شکایت های انتخاباتی و مراجع مسوول دولتی ، شکایات تیم های انتخاباتی را یا جدی نگرفتند و یا هم شریک تقلب بوده و یا خود رای آور بوده اند . مسوولان دولتی در مرکز و ولایات بخاطر مداخله در انتخابات و یا طرفداری از یک کاندید به پای میز محاکمه کشانده نشده و گپ به جای رسید که حتی در تلاش بخاطر اجرای اعمال خشونت امیز در برابر دولت بر سر اقتدار ، شرکت ورزیده ، اعلامیه صادر کردند ، تهدید نمودند و تخویف کردند ، ولی دولت و ارگانهای حافظ امنیت و تطبیق قانون خاموشی اختیار کرده و گپ به جای رسید که رئیس تشریفات وزارت خارجه با استفاده از برافشستگی های موجود و با دیده درایی ورق تقاضا های تیم طرفدار خود را در میدان هوایی خلاف تمام نورم ها و نزاکت های دیپلوماسی به جان کری وزیر خارجه ایالات متحده امریکا سپرد . سر و صدا های پارلمان که غرق افزایش امتیازات دوران باز نشسته گی خود میباشد هم جای را نگرفته و دولت خاموشانه و مظلومانه ناظر صحنه ماند.

روشنفکران که مسوولیت دفاع از ارزش های جامعه رشد یابنده و مدنی را بدوش دارند ، در هر دو طرف منازعه یا در گیر کشمکش های تباری اند یا زیر بار سنت های کهنه جامعه و گروه های تقلب کار و منفعت پرست ، کمر شان خم گردیده و در هیاهوی انتخاباتی بیشتر به خود و اشفستگی های زبانی ، ملی و محلی مشغول اند . جمع دیگری از روشن اندیشان که هوای ارامی مردم و شگوفای وطن را در سر دارند ، از تقلب ها رنج میبرند ، بدون ترس از تهدید ها و تخویف ها از دست آورد های دموکراتیک دهه اخیر ، از حقوق و آزادی های فردی از انتخابات شفاف ، از تشکیل حکومت ملی و متخصص و از اینکه در هر بازی برنده و بازنده وجود دارد و باید هم وجود داشته باشد حمایت و پشتیبانی می نمایند.

تدویر احتمالی لویه جرگه تعدیل قانون اساسی در دو سال آینده و رویکا آیی نظام به اصطلاح پارلمانی ( سیستم دولتی در کشور با حفظ اینکه ریاستی است ولی وزرا از شورا رای اعتماد گرفته و تمام فیصله های مهم دولتی به تصویب شورای ملی میرسند .) کدام منفعت مشهود به مردم و جامعه نداشته بر عکس دستگاه دولتی را متورم ساخته ، تعداد بیروکرات های استفاده جو را در دستگاه دولت افزایش داده و در اکثر موارد اختلاف نظر میان رئیس جمهور و صدراعظم موجب کندی کار و زمانگیر شدن بیش از حد فیصله های مهم دولتی میگردد . هزینه کردن میلیون ها دالر برای تدویر لویه جرگه در جامعه که اکثریت شاگردان مکاتب حتی خیمه ای بالای سر خود ندارند و در زیر آفتاب مطراق درس میخوانند ، غیر مسوولانه و دور از ترحم و دلسوزی به وطن و اولاد وطن بوده و مغایر وجدان انسانی و افغانی میباشد .

ترویج عرف ناپسند ، که بازنده در انتخابات ریاست جمهوری ، صدراعظم یا نفر دوم کشور شود ، مفهوم دموکراسی و حقوق فردی را در جامعه مسخ کرده و ارزش های دموکراتیک را بی اعتبار ساخته ، زمینه های توسعه معامله گری و تقلب در انتخابات آینده را افزایش بخشیده ، بی بندوباری در دستگاه دولت را باعث میگردد .

تشکیل حکومت های ناکام جهادی و تنظیمی زیر نام « وحدت ملی » در سال های اخیر پیش زمینه های سیستم ضعیف دولتی ، اختلاس و رشوه ستانی ، استفاده جویی از قدرت و دارایی های عامه ، چور و چپاول دارایی های مردم و کمک های جامعه جهانی توسط جنگ سالاران تنظیمی و تکنوکرات های غرب زده ، زیر پا گذاشتن قوانین ، بی بندوباری مالی ، پول شویی و قاچاق مواد مخدر را فراهم آورده و کشور را به لبه پرتگاه نابودی سوق داده است. هموطنان ما بدرستی میدانند که وقتی سخن از حکومت « وحدت ملی » به میان می آید ، هدف چی است ؟ مگر همین جنگ سالاران تنظیمی و قوماندانان جهادی در طی چندین سال حضور ناتو در افغانستان ، ناتوانی و ناشایسته گی خود را به اثبات رساندند ؟ مگر مردم نگفته اند که « آزموده را آزمودن خطاست » ؟ رئیس جمهور آینده بیک تیم کاری متخصص که در آن تمام اقوام و قبایل افغانستان خود را بیابند، ضرورت دارد . با تشکیل چنین حکومتی ، وحدت ملی در کشور تامین گردیده و هم چنان امکانات پیشرفت کشور و احساس مسوولیت و جوابگویی در برابر مردم و پارلمان افزایش میابد